



Comparative study of couplets in Persian and Arabic literature

Kiamars shahvali ¹

1. Assistant Professor of Arabic Language and Literature, Department of Arabic Language and Literature, Islamic Azad University, Izeh, Iran, Email: ki.shahvali@iau.ac.ir

Article Info

Article type:
Research Article

Article history:
Received: 12 September 2022

Received in revised form:
11 May 2023

Accepted: 20 May 2023

Keywords:

Dubiti,
Al-dubit,
Persian literature,
Arabic literature,
Comparative literature.

ABSTRACT

Couplets are considered as one of the most extensively used poetic forms in the Persian language and less commonly used in Arabic. The Iranian and Arabic cultures, languages, and nationalities carry a long history of interaction, which has undoubtedly influenced their styles, poetic forms, and prosody. This research aims to investigate the influence of two-couplets in Persian and Arabic literature using content analysis and modern research methods in comparative literature. The results of this research can be summarized as follows, there exists three views on the origin of couplets according to the studied sources. As suggested by the first view, this poetic form has existed prior to Islam. The other perspective suggests that it originated in the third century of Hijri, however, a third view considers its origin outside Persian and Arab literature. Researchers in the field of Persian and Arabic literature have conclusively proven, with logical and scientific arguments, that this poetic form does not exist in the Arabic language and was adopted from Persian literature, spreading under its influence into Arabic.

Cite this article: shahvali, K. (2024). Comparative study of couplets in Persian and Arabic literature. *Research in Comparative Literature*, 14 (1), 69-89.



© The Author(s).

Publisher: Razi University

DOI: 10.22126/JCCL.2023.8269.2435

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



Extended Abstract

Introduction:

Couplets are counted as one of the most widely used poetic forms in the Persian language and less commonly used in Arabic. The Iranian and Arabic cultures, languages, and nationalities have a long history of interaction, which has undoubtedly influenced their styles, poetic forms, and prosody.

Method:

This research aims to investigate the impact of Couplets in Persian and Arabic literature using content analysis and modern research methods in comparative literature.

Results and Discussion:

Regarding the origin of the couplet, there are three different views in the existing literature. The view that considers the origin of that type of poetic form before Islam. Poets like Kikavos, Malek al-Shoara, Shafi'i Kodkani, Jalaluddin Homai and Orientalists such as Ripka and his colleagues insist on this view. A point of view that considers its birth to be in the 3rd century of Hijri, and Zarin Koob, Razi, and Shamisa emphasize on this point of view. The final point of view is the one that considers the origin of the quartet outside the Persian and Arabic literature, and orientalist such as Alul Satin follow this viewpoint. Although in Persian literature, couplets and quatrains, despite the closeness of the structure, are different in prosody and purposes, in Arabic literature, the term "Al-dubite" is used for quatrains and couplets.

Two cultures, two languages, and two nationalities, Iranian and Arab, have a historical interaction in different dimensions, and without a doubt, styles, poetic forms, and prosodic style have not been spared from this interaction and its influence. The first conclusive result that is documented and justified and can be deduced from these findings is that the literary relations between Persians and Arabs, like other cultural and social symbols of those two peoples, were mutual. That's why most of the Persian and Arabic literary masters firmly believe that couplets have Iranian and Persian origins or at least they were formed under the influence of the Persian version (Al-dubite). In addition to Persian writers and literary scholars whose names were mentioned in this result, Arab writers and literary scholars such as: Asad Abdul Hadi Qandil, Amil Badie Yaqoub, Ahmad Hashemi, Ibrahim Anis, Muhammad bin Hasan bin Othman, etc. are also of Iranian origin and acknowledge and emphasize the influence of Arab literature from Persian literature in this type of poetry.

Conclusion:

The results of this research have been summarized in what follows. There are three views on the origin of couplets according to the studied sources. One view suggests that this poetic form existed before Islam, another suggests that it originated in the third century of Hijri, while a third view considers its origin outside the Persian and Arab literature. Researchers in the field of Persian and Arabic literature have conclusively proven, with logical and scientific arguments,

that this poetic form does not exist in the Arabic language and was adopted from Persian literature, spreading under its influence into Arabic.





بررسی تطبیقی دوبیتی در ادبیات فارسی و ادبیات عربی

کیامرث شاه‌ولی^۱

۱. استادیار زبان و ادبیات عرب، گروه زبان و ادبیات عربی، دانشگاه آزاد اسلامی، ایذه، ایران. رایانامه: ki.shahvali@iaau.ac.ir

چکیده

اطلاعات مقاله

دوبیتی یکی از قالب‌ها و گونه‌های شعری است که کاربرد دوبیتی در ادبیات فارسی پرکاربردتر از ادبیات عربی است. دو فرهنگ، دو زبان و دو ملیت ایرانی و عربی دارای تعاملات مشترکی در ابعاد مختلف هستند. بدون تردید سبک‌ها، قالب‌های شعری و محور عروسی از این تعامل و به دنبال آن تأثیر و تأثر بی‌بهره نبوده است. این تحقیق با هدف بررسی کاربرد دوبیتی در ادبیات فارسی و ادبیات عربی با روش تحقیق تحلیل محتوا و بر اساس شیوه‌های پژوهشی نوین ادبیات تطبیقی و به‌ویژه مکتب فرانسوی ادبیات تطبیقی انجام گرفته است. یافته‌های این پژوهش به صورت مختصر عبارت‌اند از: در باب خاستگاه دوبیتی، در منابع مورد مطالعه سه دیدگاه وجود دارد: دیدگاهی که خاستگاه آن نوع قالب شعری را پیش از اسلام می‌داند. دیدگاهی که زایش آن را قرن سوم هجری دانسته است و دیدگاهی که منشأ دوبیتی را بیرون از ادبیات فارسی و ادبیات عربی می‌داند. به طور قاطع پژوهشگران عرصه ادب فارسی و عربی با استدلال‌های منطقی و علمی اثبات کرده‌اند، این وزن شعری در ادب عربی وجود نداشته و برگرفته از ادبیات فارسی و تحت تأثیر آن ادبیات در ادبیات عربی رواج یافته است.

نوع مقاله: مقاله پژوهشی

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۶/۲۱

تاریخ بازنگری: ۱۴۰۲/۰۲/۲۱

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۲/۳۰

واژه‌های کلیدی:

دوبیتی،
الدوبیت،
ادب عربی،
ادبی فارسی،
ادبیات تطبیقی.

استناد: شاه‌ولی، کیامرث (۱۴۰۳). بررسی تطبیقی دوبیتی در ادبیات فارسی و ادبیات عربی. *کاووش نامه ادبیات تطبیقی*، ۱۴ (۱)، ۶۹-۸۹.



© نویسندگان.

DOI: 10.22126/JCCL.2023.8269.2435

ناشر: دانشگاه رازی

۱. پیشگفتار

۱-۱. تعریف موضوع

جامع‌ترین تعریف ادبیات تطبیقی را کفافی آورده است: «ادبیات تطبیقی به بررسی تلاقی ادبیات در زبان‌های مختلف و روابط پیچیده‌ی آن در گذشته و حال و روابط تاریخی آن از حیث تأثیر و تأثر در حوزه‌های هنری، مکاتب ادبی، جریان‌های فکری، موضوع‌ها، افراد و ... می‌پردازد» (کفافی، ۱۳۸۲: ۷). دوییتی یکی از قالب‌ها و گونه‌های شعری است: «شعری دارای دو بیت یا چهار مصرع که مصرع‌های اول و دوم و چهارم با هم مقفی هستند» (دهخدا، ذیل واژه دوییتی).

به عبارتی روشن‌تر گفته شده است: «دوییتی عبارت از چهارپاره است و به اصطلاح عروضیان هر کدام [از پاره‌ها] یک مصرع است، و دو مصرع یک بیت است. مصرع اول و دوم و چهارم باید قافیه داشته باشد اما در مصرع سوم قافیه شرط نیست و آن را خصی گویند و چنانچه در مصرع سوم قافیه بیاید آن را مصرع گویند» (کامکار پارسی، ۱۳۷۲: ۵۲).

۱-۲. ضرورت، اهمیت و هدف

از سه منظر اهمیت طرح این مبحث مورد نظر است، نخست ارزش علمی پژوهش، و اینکه در این تحقیق از منابع مؤثق و دست اول استفاده شده است، دوم چرایی انجام تحقیق، با این استدلال که این مقاله نخستین مقاله تطبیقی در خصوص دوییتی در دو ادبیات فارسی و عربی می‌باشد، سوم اینکه نتایج حاصل از تحقیق افزون بر استفاده اهل ادب، می‌تواند آغازی جهت بررسی تطبیقی سبک‌های شعری دیگر در ادبیات فارسی و عربی باشد. هدف این پژوهش بررسی تطبیقی مستند و مستدل سبک شعری دوییتی در دو ادبیات فارسی و عربی است.

۱-۳. پرسش‌های پژوهش

دوییتی از قالب‌های شعری پرکاربرد در ادبیات فارسی و کم‌کاربرد در ادبیات عربی است، دو فرهنگ، دو زبان و دو ملیت ایرانی و عربی دارای تعاملی تاریخی در ابعاد مختلف هستند، و بی‌شک سبک‌ها، قالب‌های شعری و بحرهای عروضی از این تعامل و به دنبال آن تأثیر و تأثر در امان نبوده است. از اینکه قالب شعر دوییتی و رباعی در دو زبان مذکور کاربرد داشته است، این پرسش‌ها در ذهن خطور پیدا کرده است، منشأ و ریشه تاریخی این نوع قالب‌های شعری کجاست؟ چرا خلیل بن احمد در اوزان و بحور خود به وزن‌های این دو نوع قالب شعری اشاره نداشته است؟ آیا شعر دوییتی عربی متأثر از دوییتی و رباعی ایرانی است؟ چه وجوه اختلافی و اشتراکی در ساختار و اغراض این قالب‌های شعری

در دو نو زبان وجود دارد؟ هدف این پژوهش، بررسی ریشه تاریخی دوبیتی و یافت ارتباط ادبی آن با الدوبیت در ادبیات عربی است؟

۴-۱. پیشینه پژوهش

هرچند به صورت تطبیقی، تأثیر و تأثر قالب شعری دوبیتی و رباعی در دو زبان فارسی و عربی به صورت مستقل کار نشده است، اما کتاب‌ها و مقاله‌های متعددی در این باب بحث و اشاره داشته‌اند. سمرقندی (۱۳۳۴) در کتاب *تذکره الشعرا*، ملک الشعرا (۱۳۳۵) در کتاب *تاریخ تطوّر شعر فارسی*، برون (۱۳۳۴) در کتاب *تاریخ ادبی ایران*، الشیبی (۱۹۷۲) در کتاب *دیوان الدوبیت*، قنديل (۱۹۸۱) در کتاب *فنون الشعر الفارسی*، شفق (۱۳۷۳) در کتاب *دوبیتی‌های شاعران ایران*، شمیسا (۱۳۷۴) در کتاب *سیر رباعی در شعر فارسی*، زرین کوب (۱۳۸۳) در کتاب *از گذشته ادبی ایران و فک (۲۰۱۴)* در کتاب *العریبه*، به مباحثی در باب تاریخچه قالب‌های شعری دوبیتی و رباعی در دو زبان فارسی و عربی پرداخته‌اند.

۵-۱. روش پژوهش و چارچوب نظری

روش تحقیق در این پژوهش تحلیل محتوا و بر اساس شیوه‌های پژوهشی نوین ادبیات تطبیقی است. در ابتدا تاریخچه و خاستگاه دوبیتی، سپس دلایل تأثیرپذیری الدوبیت در ادبیات عربی با تحلیل یافته‌ها آمده است.

۲. پردازش تحلیلی موضوع

در تطبیق و تحلیل دوبیتی در ادبیات فارسی و ادبیات عربی، نخست به وجوه مشابهت و تمایزهای دوبیتی و رباعی پرداخته شده است و بعد از تاریخچه این سبک شعری در آن دو ادبیات مورد بحث قرار گرفته و در نهایت دیدگاه‌های مهم در خصوص تأثر و تأثیر این سبک شعری در دو ادبیات مذکور آمده و در نهایت یافته‌های پژوهش طرح شده است.

۱-۲. دوبیتی و وجوه تمایز و اشتراک آن با رباعی در ادبیات فارسی

در عروض فارسی بین دوبیتی و رباعی اختلاف ساختاری و اغراضی است، هرچند قالب دوبیتی از لحاظ ساختار و تعداد مصراع‌ها و نوع بحر شباهت تامی با رباعی دارد، اما رباعی یکی از قدیمی‌ترین قالب‌های شعر فارسی و عربی است.

لذا به منظور مقدمه‌ی سخن و برای ورود به بحث اصلی، رباعی نیز تعریف و شناسانده می‌شود:

«رباعی که بعضی آن را ترانه یا دوبیتی نیز خوانده‌اند؛ عبارت است از دو بیت (چهار مصراع) بر

یک وزن که غیر از مصراع سوم در قافیه با هم متفق باشند به عبارت اخری بیتی مصرع [ضرب و عروض در حروف یکی باشند] و بیتی مقفی [ضرب و عروض در حروف مختلف باشند] باشد و ممکن است که هر چهار مصراع در قافیه متفق بشوند و بتقریب گویند که وزن رباعی (لا حول و لا قوة إلا بالله)» (همایی، ۱۳۰۸: ۷۳).

سمرقندی بر این اعتقاد است که در زمان صفاریان ساختمان تازه شعری پیدا شد و در شعر فارسی شایع گردید و سپس در شعر عربی رونق گرفت و آن اساس و ساختمان، شعر دو بیتی یا رباعی است. وی در خصوص فلسفه پیدایش آن گفته است که یعقوب ابن لیث صفار پسری داشت و روز عید آن کودک با کودکان دیگر جوز می‌باخت. امیر به تماشای فرزند بایستاد فرزندش جوز می‌باخت و هفت جوز به گو افتاد و یکی بیرون جست، درحالی که آن کودک که به هنگام گردوبازی می‌خوانده «غلتان غلتان همی رود تالب گو»، امیر از این نوع کلام خوشش آمد و گفت که این سخن از جنس شعر است، لذا ابودلف و وهب بن الکعب به تحقیق و تقطیع پرداختند و این مصراع را نوعی از بحر هزج یافتند. مصراع دیگر به تقطیع موافق آن بر این مصرع افزودند و یک بیت دیگر موافق آن ضم کردند و دو بیتی نام کردند و چون فضلاً لفظ دو بیتی را نیکو ندیدند، گفتند: این چهار مصرعی است و رباعی خواندند. (ر.ک: سمرقندی، ۱۳۸۲: ۳۰).

برخی اختلاف دو بیتی و رباعی را در وزن آنها دانسته و قائل هستند که: «فرق آن [دو بیتی] با رباعی این است که وزن آن با وزن رباعی (لا حول و لا قوة إلا بالله) فرق دارد» (دهخدا، ذیل واژه دو بیتی)، همایی نیز گفته است: «برخی از ادبا مابین رباعی و دو بیتی فرق می‌گذارند باینکه هرگاه چهار مصراع بر یکی از اوزان مخصوصه (بیست و چهار وزن از فروع هزج) مثل لا حول و لا قوة إلا بالله باشد آن را رباعی می‌نامند و اگر بر این اوزان نباشد آن را دو بیتی می‌گویند» (همایی، ۱۳۰۸: ۷۶/۱). «دو بیتی همان رباعی است با این تفاوت که غالباً بر وزن «مفاعیلن مفاعیلن مفاعیلن» سروده می‌شود» (رزمجو، ۱۳۵۸: ۵۸).

برخی اختلاف دو بیتی و رباعی را در عروض و قافیه دانسته‌اند: «حق این است که دو بیت یک اصطلاح عروضی است؛ چون وزن‌های خاص خود را دارد، اما رباعی یک اصطلاح قافیه‌ای است چون شکل خاصی از اشکال قافیه‌ها می‌باشد، و توان آن را در هر وزنی از اوزان به نظم درآورد، پس هر دو بیتی رباعی است (دارای چهار مصراع) ولی هر رباعی دو بیتی نیست» (نبوی و خداداده، ۲۰۰۰: ۲۸۶).

شمیسا با صراحت در خصوص تفاوت دو بیتی و رباعی گفته است: «پس فرق ترانه با رباعی از نظر

عروضی، اختلاف در وزن است. حال اگر شعری دو بیت داشته باشد و بیت اول آن هم مصرع باشد؛ اما به هیچ یک از اوزان ترانه یا رباعی نباشد، به آن قطعه می گویند. مانند:

گر چه شاطر بود خروس به چنگ چه زند پیش باز روئین چنگ
 گربه شیر است در گرفتن موش لیک موش است در مصاف پلنگ
 (شمیسا، ۱۳۸۳: ۴۸)

رباعی اسماء فارسی دیگری نیز دارد، اهل علم و اهل الحان، آن را ترانه و همچنین دوبیتی می نامند» (قندیل، ۱۹۸۱: ۱۶۷).

در مطالعاتی که نگارنده داشته است، معیارهای تشخیص رباعی از دوبیتی عبارت‌اند از: ۱- وزن ۲- موضوع: موضوع دوبیتی عارفانه و عاشقانه است. ۳- رباعی بعد از اسلام به وجود آمد و مخترع آن ایرانی‌ها بودند.

۲-۲. تاریخچه و خاستگاه دوبیتی

در تاریخ زایش شعر دوبیتی و رباعی اختلاف نظر است و می توان گفت: نظر قاطعی در این خصوص وجود ندارد، در منابع مورد مطالعه سه دیدگاه وجود دارد: دیدگاهی که خاستگاه آن نوع قالب شعری را پیش از اسلام می داند، دیدگاهی که زایش آن را قرن سوم هجری دانسته است و دیدگاهی که سرآغاز رباعی را بیرون از ادبیات فارسی و عربی می داند.

دیدگاه اول، این قالب شعری را منسوب به دوره ساسانیان دانسته و اساس آن را در شعرهای پیش از اسلام جستجو می کند. کامکار به نقل از ملک الشعراء بهار گفته است:

«پس از مطالعه کتاب‌های فارسی و عربی یکی از اوزان اشعار قدیم ساسانی را بدست آوردیم و آن بحر یا وزن را دنبال کردیم تا رسیده ایم به یکی از بحرهای عروض عرب که موسوم است به بحر هزج مسدس یا مشاکل، یعنی همان بحری که رباعیات باباطاهر و خسرو و شیرین نظامی با آن بحر گفته شده است و قبل از آن‌ها نیز مسعودی رازی شاهنامه خود را و فخری گرگانی هم ویس و رامین را با آن بحر گفته بودند... و معلوم ما شده است که این وزن یکی از اوزان شعری ساسانیان است که در عهد تمدن اسلامی اصلاحاتی در آن شده است و به قالب عروض درآمده است» (کامکار پارسی، ۱۳۷۲: ۵۵).

در پژوهش‌های مستشرقان نیز بر اینکه این نوع وزن، ریشه ایرانی و ساسانی دارد تأکید شده است: «سرایندگان پارسی نو، سرایش شعرهای خود را بر ادبیات دوران پادشاهی بهرام پنجم ساسانی - معروف به بهرام گور - بنیاد نهاده‌اند. بنا به عقیده دانشمندان عرب و فارس، گویا خود بهرام نخستین سراینده

شعر پارسی بوده است» (ریپکا، کلیما، بچکا، ۱۳۷۰: ۱۱۷).

در اینکه تاریخ این نوع قالب شعری، به پیش از اسلام برمی‌گردد، دیدگاه‌های متعدد و متنوعی است و بعضی آن را برگرفته از متون شعرگونه اوستا دانسته‌اند. در خصوص متن اوستا گفته شده است: «این متن‌ها شعرگونه هستند و نام گاتها (قطعه‌های سرودی) را به خود گرفته‌اند. سروده گاتها را معمولاً به خود زرتشت نسبت می‌دهند و سند معتبری که این نظریه را مردود شمارد وجود ندارد» (همان: ۳۷).
 عده‌ای علاوه بر اینکه دوبیتی را شعری ایرانی دانسته و اساس آن را به ماقبل اسلام برمی‌گردانند، آن را تحول‌یافته شعر هجایی فارسی معرفی کرده‌اند: «وزن دوبیتی از اوزان قدیم شعر فارسی بوده و در اشعار قدیم ایران بعد از اسلام نیز با وزن هجایی وجود داشته است و بعدها با وزن عروضی مأخوذ از اوزان عروض عرب تطبیق شده است و ظاهراً اصطلاح پهلوی و فهلوی و فهلویات نیز از این قدمت و باستانی بودن آن بیرون آمده است» (شفق، ۱۳۷۳: ۸). «رباعی یا دوبیتی از مخترعات شعرای فارسی است» (همایی، ۱۳۰۸: ۷۴/۱).

در حقیقت، کسانی که باور دارند، با پیدایش دوبیتی به دوران پیش اسلام برمی‌گردد، معتقدند که منشأ آن نوعی شعر زبان فارسی میانه است. به عبارت دیگر نوعی شعر هجایی بوده است. ریپکا و همکارانش به نقل از م. لیدزبارسکی گفته‌اند: «م. لیدزبارسکی^۱ معتبرترین پژوهنده کتیبه‌های سامی، با اطمینان ثابت کرده است که مانی به زبان آرامی شعر می‌گفته و بعدها به زبان فارسی میانه به سرودن شعر پرداخته است» (ریپکا، کلیما، بچکا، ۱۳۷۰: ۱۱۷). ملک‌الشعرا در یک تقسیم‌بندی برای شعر فارسی گفته است: «ادوار شعر فارسی را به دو دوره باید تقسیم کرد: الف. دوره شعر هجایی، ب. دوره شعر عروضی، دوره شعر هجایی متعلق است به قبل از اسلام و دوره شعر عروضی متعلق است به بعد از اسلام، شعر هجایی همان است که اروپائیان آن را شعر سیلابی می‌نامند» (بهار، ۱۳۳۴: ۱۱).

شفیعی کدکنی به نقل از خواجه نصیر طوسی در خصوص تشابه رباعی و اورامن می‌گوید: «و باشد که (قافیه) در بعضی مصراع‌ها و هم در بیت‌ها اعتبار کنند چنانکه در رباعیات و اورامن‌ها» (شفیعی کدکنی، ۱۳۹۱: ۲۱۸). «دوبیتی عبارت است از چهار مصراع که دارای یک معنی مستقل باشد، و در بحر هزج مسدس محذوف یا مقصور سروده شود و در کتاب‌های ادب معمولاً فهلویات نامیده شده است» (رستگار فسایی، ۱۳۷۲: ۴۷۸). «دوبیتی‌های اصیل به لهجات محلی (فهلوی) است و از این رو به دوبیتی‌ها فهلویات نیز می‌گویند» (شمیسا، ۱۳۷۳: ۲۸۹).

ملک الشعرا یکی از دلایل اثباتی خود را داستان یزید بن مفرغ که از شعرای معاصر معاویه بود و مغضوب عبیدالله بن زیاد واقع شده بود، می‌داند و گفته است: «مأموران دولتی او را در بازار بصره با حالی خراب می‌گرداندند، کودکان در آن روز پشت سر وی راه افتاده و می‌گفتند این چیست (اشاره به اسهال وی)، و ابن مفرغ در همان حال نیز با زبان فارسی به هجو ابن زیاد می‌پرداخت و می‌گفت:

آبست و نیبذ است / عصارات زیب است / سمیه روسپید است (بهار، ۱۳۳۴: ۲۱).

دیدگاه دوم، زایش دوبیتی را قرن سوم هجری دانسته است: رازی (۱۳۸۸) سبب پیدایش این نوع شعر را به صورت داستانی آورده است؛ از این قرار که روزی رودکی از محله‌ای می‌گذشت، کودکان را در حال بازی جوز (گردو) بازی) دید، وقتی که یکی از کودکان جوز را به سمت چاله «گو» می‌غلطاند ناخواسته و غیرارادی زمزمه می‌کند: «غلطان غلطان همی رود تا بن گو» و رودکی از وزن کلام آن پسر خوشش آمد و آن را گرفته و بر اساس آن رباعی را بنیان نهاد. «متأخران اهل دانش ملحونات این وزن را ترانه نام کردند و شعر مجرد آن را دوبیتی خواندند، برای آنکه بنای آن بر دو بیت بیش نیست» (رازی، ۱۳۸۸: ۱۴۲).

شمیسا، ابوحفص سغدی را که از شاعران آغاز سده چهارم است، نخستین دوبیتی سرا دانسته و می‌گوید: «ژیلبرلازار مستشرق فرانسوی منشأ رباعی را به لحاظ وزن در ترانه‌های ایرانی می‌جوید. او وزن این بیت ابوحفص سغدی را منشأ و اصل وزن رباعی می‌گیرد:

آهوی کوهی در دشت چگونه دودا او ندارد یار، بی یار چگونه بوذا

(شمیسا، ۱۳۷۴: ۳۲)

«از اشکال و ترکیبات شعر فارسی مطمئناً می‌توان رباعی را قدیم‌تر از دیگر اشکال دانست و بعد از رباعی، مثنوی است» (براون، ۱۳۳۵: ۶۸۶).

در خصوص شعر عروضی و تاریخ آن زرین کوب گفته است: «تاریخ شعر در ایران با یک مسأله دشوار حل‌نشدنی آغاز می‌شود، ... اول کسی که بعد از اسلام به زبان پارسی دری شعر گفت که بود؟ ... بعضی از تذکره‌نویسان از شاعری به نام ابوحفص سغدی نام برده‌اند و عده‌ای نام ابوالعباس مروزی را ذکر کرده‌اند. مؤلف مجهول تاریخ سیستان به صراحت گفته است قبل از دوره یعقوب لیث هیچ کس به زبان فارسی شعر نگفته است و اول کسی که گفت محمد بن وصیف سگری بود و قصیده‌ای که به مدح یعقوب سرود» (زرین کوب، ۱۳۸۳: ۲۱۹).

نویسنده کتاب *دیوان‌الدوبیت* از بحث و تحقیقی که در زمینه دوبیتی در زبان عربی کرده است،

نتیجه می‌گیرد که تاریخچه رباعیات به زبان عربی را می‌توان معاصر با ظهور آن در زبان فارسی و در دهه هشتم قرن سوم دانست (الشیبی، ۱۹۷۲: ۳۷).

دیدگاه سوم، ریشه و خاستگاه دوبیتی و رباعی را غیر از ایران دانسته است. به طوری که از مقاله الول ساتن^۱ در باب رباعی برمی‌آید، بوزانی^۲ مستشرق معاصر معتقد است که رباعی ریشه ترکی دارد و از آسیای مرکزی به ایران راه یافته است. مایر مستشرق آلمانی نیز پیدایش رباعی را تحت تأثیر شعر ترکی یا چینی می‌دانست. شادروان علی‌اکبر فیاض نیز احتمال می‌داد که رباعی از نواحی مشرق یعنی از طرق ترکستان به ایران آمده است (ر.ک: شمیسا، ۱۳۷۴: ۲۷).

در خصوص آن سه دیدگاه باید گفت: بسیاری از ادیبان و پژوهشگران فارس و عرب قاطعانه بر این باورند که دوبیتی ریشه و منشأ ایرانی و فارسی دارد یا حداقل تحت تأثیر دوبیتی فارسی شکل گرفته است: همچنین «عرب‌ها دوبیتی را از فارسی گرفته‌اند و در قدیم مابین آن‌ها معمول نبوده است» (همایی، ۱۳۰۸: ۷۶/۱). «این وزن اختراع زبان فارسی است، و عرب از فارسی‌زبانان گرفته است، ولی در عربی گستره زیادی نیافت و دیده نشد که شاعر مشهوری از این نوع شعر به‌وفور استفاده کرده باشد، ولی الآن در کویت، بحرین و عمان رایج است» (یعقوب، ۱۹۹۱: ۲۴۱).

شیخو با صراحت از ایرانی بودن این وزن و قالب شعری اقرار داشته است: «دوبیت که شعرای جدید آن را بحر سلسله یا رباعی می‌نامند، وزنی است که از زبان فارسی گرفته شده و بیشترین کاربرد آن در معانی لطیف یا فن‌غناء است» (شیخو الیسوعی، ۱۸۹۷: ۴۲۱/۱).

«اما ادبای ایرانی در این که رباعی منشأ ایرانی دارد و آفریده طبع ایرانی است هیچ شک و شبه‌ای به خود راه نداده‌اند. ... به‌هر تقدیر همه ادبای ایرانی در این که رباعی منشأ عربی ندارد متفق‌القول بوده‌اند» (شمیسا، ۱۳۷۴: ۲۷). «اقسام و اشکال شعر فارسی که زائیده طبع شاعرانه ایرانی است همان رباعی است» (براون، ۱۳۳۵: ۶۸۵).

۳-۲. عروض شعر فارسی میانه

شعر هجایی فارسی میانه از جهت ساختاری، عروض و محتوایی، شعری هجایی و مورد تأیید بوده؛ ولی از قرن سوم هجری با بحر هزج آمیخته شده و به نوعی می‌توان گفت شاخه‌ای از آن بحر شده است: «عروض شعر پارسی میانه بر پایه شمارش هجاها و ضربت‌ها توأمأ

بنیادگذاری شده بود» (ریپکا، کلیما، بچکا، ۱۳۷۰: ۱۱۶). همچنین «دوبیتی در پایان کار ساسانیان و آشکار شدن تازیان و پدید آمدن عروض، هجائی تکیه دار بوده؛ اما از قرن سوم به این سوی عروض دانان کوشیدند و آن را با شاخه‌ای از بحر هزج برابر کرده‌اند» (کامکار پارسی، ۱۳۷۲: ۵۲).

آهنگ‌دار بودن و قافیه داشتن از ویژگی‌های شعر فارسی میانه بوده است: «پس از بررسی قطعه‌های شعر دوران پارسی میانه آن‌ها هم دارای قافیه بوده‌اند، اگرچه نظم و سامان درستی در آن‌ها دیده نمی‌شود و این قافیه‌ها غالباً جای خود را به یک هم آهنگی ساده می‌دادند. هر مصرع شعر پارسی میانه از ۵ تا ۱۱ هجا داشته و غالباً شماره هجاها در هر مصرع شعر تغییر می‌کرده است» (ریپکا، کلیما، بچکا، ۱۳۷۰: ۱۱۶).

شکل ساختاری سروده زوران یکی از ادله اثباتی وزن، آهنگ و قافیه داشتن شعر ایرانی پیش از اسلام است:

«سرود زوران دارای چهاربند است: دو بند نخستین، هر یک دو مصرع و باقی هر یک چهار مصرع دارند. در دو بند نخست هر مصرع شامل ۱۱ هجا، در بند سوم ۹ هجا و در آخر هر مصرع شامل ۸ هجا است که مصرع‌های هر بند قافیه‌بندی شدند. نوبرگ می‌انگارد که ارتباط ظاهری این سرود با شعرهای پارسی نو، ترکیبی از بحر هزج و بیتی‌های باباطاهر است. به عقیده ف. اندره آس در اشعار مانی ترکیب هشت هجایی دیده می‌شود» (همان: ۱۱۷).

از آنجایی که در شعر هجایی ساختار اوزان عروضی بر پایه طول هجاهاست و زیبایی و دل‌نشینی شعر عروضی را ندارد، برخی انگیزه تغییر شعر هجایی فارسی به عروضی را همان زیبایی ظاهری و نواخت‌های قوی و غنی شعر عروضی دانسته‌اند: «زیبایی ظاهر، هم آهنگی کامل و غنی بودن نواخت‌ها، این‌ها ویژگی‌هایی هستند که در شعر دوران پارسی میانه دیده نمی‌شوند. به این انگیزه‌ها شاعران پارسی نو نسبت به آثار شعری دوران پیش از اسلام به گونه‌ای تحقیرآمیز می‌نگریستند» (همان: ۱۱۶).

قافیه، پیش از اسلام متداول نبود، همان‌طور که اکنون شاعران انگلستان مقید به قید قافیه نیستند، و این قبیل شعر را شعر سفید می‌نامند (بهار، ۱۳۳۴: ۱۲). ملک‌الشعراى بهار (همان) سه نوع شعر را نام برده و قسم سوم را ترانه یا ترانک کرده است و بر این باور است که ترانه

اشعاری محلی بوده که زنان و کودکان در شهرها و دهات آن را می‌خواندند، و این ترانه‌ها از سه مصراع که در نزد آن‌ها سه بیت محسوب می‌شده، تجاوز نمی‌کرد.

۴-۲. دوبیتی یا الدوبیت در ادبیات عربی

در زبان عربی برای رباعی و دوبیتی اصطلاح الدوبیت به کار می‌رود، به عبارت دیگر تفاوتی بین دوبیتی و رباعی نیست و در تعریف آن گفته شده است:

«دوبیت فنی فارسی است، و لفظ «الدوبیت» به معنای دو بیت (دو = اثنان عربی و بیت به همان معنای عربی خودش) است. به این دلیل دوبیت نامیده شده است که هر دوبیتی قافیه مستقل از بیت‌های قبل و بعد خود دارد. گفته شده است که رباعی نیز نامیده شده است؛ زیرا آن دو بیت از چهار مصراع تشکیل شده‌اند. سپس دوبیت به عربی منتقل و در آن توسعه یافت» (نبوی، خدادة، ۲۰۰۰: ۲۸۶).

در ادبیات عرب، همان تعاریف ادبیات فارسی که نقل شد، برای دوبیتی آمده است؛ البته با تأکید بر وزن شعر: «دوبیت نوعی از شعر است که وزنی غیر از وزن‌های شعری متداول دارد، و در نزد معاصران به بحر سلسله یا رباعی شناخته می‌شود» (یعقوب، ۱۹۹۱: ۲۴۰).

«مستعربه آن را رباعی خواندند از بهر آنکه بحر هزج در اشعار عرب مربع‌الاجزا آمده است. پس هر بیت از این وزن، دو بیت عربی باشد. لیکن به حکم آنکه زحافی که در این وزن مستعمل است در اشعار عرب نبوده است، در قدیم بر این وزن شعر تازی نگفته‌اند و اکنون محدثان [محدثان زمان خودش] ارباب طبع بر آن اقبالی تمام کرده‌اند و رباعیات تازی در همه بلاد عرب شایع و متداول گشته است» (رازی، ۱۳۸۸: ۱۴۲).

بیشتر پژوهشگران عرب در تعریف خود از دوبیتی بر غیر عربی بودن آن یا حداقل خارج از اوزان عربی بودن آن قالب شعری تکیه دارند: «دوبیت نوعی از شعر است که وزن آن خارج از اوزان متداول شعر عربی است، و در نزد معاصران مشهور به سلسله یا رباعی است و رباعیات خیام از آن جمله است. ... و اگر قافیه مصراع سوم با بقیه قافیه‌ها متفاوت باشد اعرج نامیده می‌شود» (ابن عثمان، ۲۰۰۴: ۱۸۸). «الدوبیت لفظی فارسی و معنای آن دو بیت است و آن قالبی شعری است که در مشرق ظهور کرد، مانند موشح که در اندلس و مغرب ظهور یافت» (الشیبی، ۱۹۷۲: ۱۸). البته ایشان نیز رباعی و دوبیتی را یکی دانسته و مثالی که از خیام ذکر کرده است، رباعی می‌باشد (همان).

۴-۲. شعرای مهم دوبیتی سرای فارسی

در این مقاله بر ذکر نام شاعران نخستین دوبیتی سرا تکیه شده است که شاخص‌ترین آن‌ها رودکی و

خیام هستند: «شاعرانی بزرگی چون رودکی، شهید بلخی، طاهر بن فضل و ابونصر فارابی رباعی‌های زیبا و بسیار پخته و عمیق ساخته‌اند» (رستگار فسایی، ۱۳۷۲: ۴۷۸). «رودکی در این علم سرآمد بود، و قبل از او شاعری که در فارسی صاحب دیوان باشد نشود» (سمرقندی، ۱۳۸۲: ۳۱).

شمیسا اعتقاد دارد که: «۱- رباعی شعری ایرانی است و وزن آن بعد از خلیل پیدا شده است. ۲- رباعی مستنبط از زبان توده مردم است. ۳- رودکی از نخستین کسانی است که به رباعی پرداخته است» (شمیسا، ۱۳۷۴: ۲۸).

افزون بر این، «تحول عمده در رباعی سازی ایرانی، تکامل و اوج آن ورود اندیشه‌های عمیق فلسفی در آن، با ظهور حکیم خیام نیشابوری [۵۱۷ه] اتفاق افتاد» (رستگار فسایی، ۱۳۷۲: ۴۸۰). عمر خیام در سرودن رباعی سرآمد شاعران بوده و نامداری جهانی به دست آورده است (ر.ک: ریپکا، کلیمما، بچکا، ۱۳۷۰: ۱۷۱).

۲-۶. شعرای مهم دوبیتی سرای عربی

از مهم‌ترین و نخستین شاعران دوبیتی و رباعی به زبان عربی، می‌توان ابوالعلاء السروی، بشار و حماد عجرد را نام برد: «اما اینکه رباعیاتی به معنای واقعی به زبان عربی گفته شده باشد اطمینان‌نگارنده به این امر کمتر است؛ ولی دوبیتی از ابوالعلاء السروی به زبان عربی در وصف نرگس و سیب موجود است که به رباعی بسیار نزدیک است» (براون، ۱۳۳۵: ۶۹۰).

«قطعه شعری که دو بیت دو بیت است ذهن خیلی از مستشرقان را به خود مشغول کرده به نحوی که یوهان فُک تصور کرده بود که بشار بن برد هم دوبیتی سراسر است و او آغازگر این نوع قالب شعری است:

ربابةُ رَبَّةِ البیت تصبّ الخلّ فی الزیت
لها سبعُ دجاجاتٍ و دیکٌ حَسَنُ الصوت

(الشیبی، ۱۹۷۲: ۳۶)

فُک در آن خصوص گفته است: «چه بسا تاریخ دو بیت یا رباعی که مصراع‌های به‌غیراز قافیه سوم متحدند به قرن دوم برگردد» (فک، ۲۰۱۴: ۹۸). «هرچند که رواست در نسبت دادن این بیت به بشار شک کنیم» (فک، ۲۰۱۴: ۹۸).

حتی بر فرض صحت انتساب بیت قطعه مذکور به بشار، باید گفت: دوبیتی بشار در بحر هزج مَرَبَع سالم است و این وزن از اوزان ۲۴ گانه رباعی فارسی نیست. «و مهم این است که نوعی از رباعیات در قرن دوم هجری مشهور بوده که بر زبان ایرانیان مستعرب [غیر عرب‌های که با زبان عربی تکلم

می‌کردند.] مانند حماد عجرد [شاعر زندیق مشهور دوره اموی و عباسی] و همچنین دشمن و هجو کننده‌اش بشّار بن برد بوده است» (الشیبی، ۱۹۷۲: ۳۷).

الشیبی در جاهای دیگر بر نقش بزرگان عرفان و تصوّف در گسترش این قالب شعری تأکید دارد و نام برخی از آن عارفان را برشمرده است؛ مانند سهروردی، عمر بن الفارض، ابوالحسن الحریری و جلال الدین رومی و ... (الشیبی، ۱۹۷۲: ۴۸).

۲-۷. عروض دوبیتی و رباعی فارسی

در عروض دوبیتی و همچنین رباعی اختلاف نظر زیادی وجود ندارد؛ تنها برخی زحافات اوزان را لحاظ کرده و بر همان اساس، اوزانی برای آن دو در نظر گرفته‌اند: «اصطلاح دوبیتی برای اشعاری است که در بحر هزج مسدّس محذوف «مَفَاعِلُنْ مَفَاعِلُنْ فَعُولُنْ» یا مسدّس مقصور «مَفَاعِلُنْ مَفَاعِلُنْ مَفَاعِلُنْ» سروده شده است» (شفق، ۱۳۷۳: ۸). «یکی از متقدّمان شعراء عجم - و پندارم رودکی والله اعلم - از نوع اخرم و اخرب این بحر [هزج] وزنی تخریج کرده است که آن را وزن رباعی خوانند و الحق وزنی مقبول و شعری مستلذّ و مطبوع است» (رازی، ۱۳۸۸: ۱۴۰).

وزن دوبیتی، پنج نوع است (هاشمی، ۱۹۹۷): نخستین آن‌ها رباعی معرج است که بر وزن «فَعْلُنْ مُتَفَاعِلُنْ فَعُولُنْ فَعْلُنْ» می‌باشد و شرط آن این است که قافیه در مصراع اول بیت دوم متفاوت با قافیه بقیه مصراع‌ها باشد. مانند:

يا مَنْ هَجَا لِلْحَبِّ عَمْدًا وَسَلَا ورماءُ على اللَّظي قَتيلًا وَسَلَا
ما القَوْلُ إِذَا سُنِلَتْ عَنْ قَتَلْتَه يا قاتله بأيِّ ذَنْبٍ قَتَلَا

دومین نوع آن رباعی خالص است و شرط آن این است که در پایان هر مصراع در هر بیت، دو کلمه بیاید که با هم متجانس باشند؛ مانند:

أهوى رشأً بلحظه كَلَمَنَا رمزاً وبسيف لحظه كَلَمَنَا
لو كان من الغرام قد سلّمنا ما كان له بيده سلّمنا

سومین نوع آن رباعی منطلق است، و شرط آن این است که مصراع نخست از هر بیت با وزن کامل باشد و مصراع دو هر بیت مرکب از وزن «فَعْلُنْ و فَعْلُنْ» باشد، از طرف دیگر بین هر مصرعی با مصراع زیر آن جناس تام یا غیر تام باشد. مانند:

قد قدّ مهجتي غرام ونَشْرُ والقلبُ مُلْكُ
من كان يراك قال ما أنت بشْرُ بل أنت ملكُ

و چهارمین نوع آن رباعی مُرْفَل است و شرط این نوع رباعی این است که بر همان وزن رباعی منطلق که گذشت باشد؛ اما به شرط داشتن جناس و اینکه دارای سه رکن باشد.

بَدْرٌ إِذَا رَأَتْهُ شَمْسُ الْأَفْقِ كَسَفَتْ وَرَقِي فِي يَوْمِ أَحَدٍ
عَوْدَتْ جَمَالَهُ بَرَبِ الْفَلَقِ وَبِمَا خَلَقَ مِنْ كُلِّ أَحَدٍ

و پنجمین نوع آن، رباعی مردوف است و شرط آن رباعی این است که هر بیتی چهار رکن داشته باشد و التزام به آوردن جناس‌ها در آن نیکوست. ابن غازی وزن دو بیت را این چنین گفته است:

ذُوبِيَّتُهُمْ عَرُوضُهُ تَرْتَجِلُ فَعُلُنْ مُتَّفَاعِلُنْ فَعُولُنْ فَعُلُنْ

(ابن عثمان، ۲۰۰۴: ۱۸۷)

«وزن ترانه یا دوبیتی یا فهلوی «مفاعیلُنْ مفاعیلُنْ فَعُولُنْ» است؛ یعنی هزج مسدّس محذوف [مانند این

دوبیتی از باباطاهر]:

دل عاشق به پیغامی بساجه مراکفیت چشم تو کافی است
خمار آلوده با جامی بساجه ریاضت کش با بادامی بساجه»

(شمیسا، ۱۳۸۳: ۴۸)

«رباعی ۲۴ وزن دارد که ۱۲ وزن آن با مفعول (اخرب هزج) شروع و ۱۲ وزن آن با مفعولن (اخرم هزج) آغاز می‌شود ولی وزن مشهوری که برای رباعی ذکر می‌شود «لاحوّل و لا قوّة إلا بالله» است که معادل عروضی آن می‌شود «مفعولُ مفاعیلُ مفاعیلُنْ فع» (طباطبایی، ۱۳۸۳: ۹۰).

ثابت‌زاده بر اساس برداشتی که از نظر طیب‌زاده در خصوص شعر عروضی و ارتباط آن با شعر عامیانه می‌گوید: «شاعران فارسی باتوجه‌به شعر عامیانه فارسی وزن عروضی را پدید آوردند و نوآوری در عرصه ادبیات اگر به‌نوعی ریشه سنت‌های ادبی و سلائیق و عادات قدیم اهل زبان نداشته باشد، به‌سادگی جا نمی‌افتد و قبول عام نمی‌یابد» (ثابت‌زاده؛ به نقل از طیب‌زاده، ۱۳۸۸: ۱۰۳).

۲-۸. عروض عربی الدو بیت

در زبان عربی برای دوبیتی سه عروض آمده است و بر خلاف فارسی اوزان متعدد در نظر گرفته نشده و عروض دوبیتی با رباعی منفک نیست: «دوبیتی سه عروض دارد: عروض اول آن «فَعْلُنْ» است که دو ضرب دارد «فَعْلُنْ» و «فَعْلَانْ»، عروض دوم «فِعْلُنْ» که این هم دو ضرب دارد «فَعْلُنْ و فَعْلَانْ»، و عروض سوم که مجزوء است و فقط یک ضرب دارد «فَعُولُنْ» (شیخو الیسوعی، ۱۸۹۷: ۴۲۱/۱).

بعضی فقط بر یک عروض آن تأکید کرده‌اند و بر این باورند که همان عروض فارسی است: «وزن

این قالب شعری «فَعْلُنْ مُتَفَاعِلُنْ فَعُولُنْ فَعْلُنْ» است و گاهی «فَعْلُنْ» به صورت «فَعْلُنْ» آمده است» (انیس، ۱۹۵۲: ۲۱۴). «این همان وزنی است که راویان اتفاق نظر دارند مناسب نظم زبان فارسی است و بعضی از شاعران زبان عربی فصیح به صورت نادر از آن استفاده کرده‌اند» (همان: ۲۱۴).

دوبیتی دو نوع است (شیخو الیسوعی، ۱۸۹۷): یک نوع آن چهار قافیه متجانس دارد مانند:

نفسی لک زائراً وفي البؤس فدا یا مؤنس وحدتی إذا اللیل هدا

إن كان فراقنا مع الصبح بدا لا أسفر بعد ذاک صبح بدا

و نوع دوم آن که سه قافیه متجانس دارد و أخرج خواننده می شود مثال آن قول الیاریلی است:

ما أمر تجنيك على الصبّ خفي أفنيت زماني بالأسى والأسف

ماذا غضب بقدر ذنبي ولقد بالغت وما أردت إلا تلسفي

نبوی و خداده نیز وزن دوبیتی را همان وزن «فَعْلُنْ مُتَفَاعِلُنْ فَعُولُنْ فَعْلُنْ» می دانند و معتقدند که این وزن، وزن مشهور دوبیتی است؛ بااین وصف که فَعْلُنْ با سکون عین فقط همین یک شکل را دارد، اما مُتَفَاعِلُنْ به صورت نادر جایز است به صورت مُسْفَعِلُنْ بیاید؛ یعنی حرف دوم وزن ساکن باشد، و در فَعْلُنْ نیز جایز است حرف عین ساکن شود، در این وزن ممکن است تفعیلات همسان پشت سر باشند به نحو: «فَعْلُنْ فَعْلُنْ مُسْفَعِلُنْ مُسْفَعِلُنْ» (نبوی، خداده، ۲۰۰۰: ۲۸۶).

دوبیتی سه عروض دارد: عروض اول آن «فَعْلُنْ» است که دو ضرب دارد «فَعْلُنْ» و «فَعْلَانْ»، عروض دوم «فَعْلُنْ» که این هم دو ضرب دارد «فَعْلُنْ» و «فَعْلَانْ»، و عروض سوم که مجزوء است و فقط یک ضرب دارد «فَعُولُنْ» (شیخو الیسوعی، ۱۸۹۷: ۴۲۱/۱).

وزن دوبیتی در زبان عربی غالباً مشهور به بحر سلسله یا رباعی است: «دوبیت نوعی از شعر است که وزنی غیر از وزن‌های شعری متداول دارد، و در نزد معاصران به بحر سلسله یا رباعی شناخته می‌شود» (یعقوب، ۱۹۹۱: ۲۴۰). «وزن دوبیتی به بحر سلسله نیز مشهور است» (الشیبی، ۱۹۷۲: ۶۱).

الشیبی در خصوص وزن رباعی گفته است: «وزن رباعی در عربی «فَعْلُنْ مُتَفَاعِلُنْ فَعُولُنْ فَعْلُنْ» است» (همان: ۱۸). وی در جای دیگر نیز بر همین نکته تأکید داشته و گفته است: عروضیان و مصنفان متأخر عرب از این وزن استفاده کرده‌اند (ر.ک: الشیبی، ۱۹۷۲: ۵۸). الشیبی، زحافات و وزن‌های متفاوت و مختلف به کاررفته در عروض فارسی را برشمرده و می‌گوید: «اما عرب غیر متأخر فقط بر همان سبک که از قرن هفتم و هشتم هجری به ارث برده است از آن قالب شعری استفاده کرده است... و در ضمن بحر وافر، تنها در وزن عروضی آن، مَفَاعِلُنْ به فَعُولُنْ و مُتَفَاعِلُنْ تغییر می‌کند» (همان: ۵۸).

۹-۲. اغراض شعر دوبیتی و رباعی در فارسی

در زبان فارسی، اغراض دوبیتی بیشتر هجو، غنا، وصف و عرفان است. رباعی بیشتر برای هجو به کار می‌رفته و از انواع شعر مردمی پیش از اسلام بوده است. آهنگ این شعر تا به امروز باقی مانده و از آن در گونه‌ای از شعر با نام دوبیتی بهره گرفته می‌شود. شعرهای مردمی غالباً در این قالب سروده شده‌اند. شکل کامل رباعی را در سروده‌های شاعران پیشین فارسی مانند شهید، رودکی، ابوشکور بلخی و غیره می‌توان یافت، این شعر تا امروز هم رایج است (ریپکا، کلیما، بچکا، ۱۳۷۰: ۱۷۰).

«مضامین دوبیتی غنایی است» (شمیسا، ۱۳۷۳: ۲۸۹). «دوبیتی معمولاً برای بیان احساسات بی‌شائبه و عشق‌های ساده و بی‌ریا، با کلمات شکسته و محاوره‌ای مناسب است» (رزمجو، ۱۳۵۸: ۵۸).

همچنین «مفاهیم و مضامین دوبیتی عینی و طبیعی [به‌ندرت به مسائل عقلی و مجرد می‌پردازد]. است، یعنی شعری است برون‌گرا که شباهت زیادی به شعر عرب دوره جاهلی و غالب اشعار سبک خراسانی خودمان دارد بدون اینکه برگرفته یا متأثر از آن‌ها باشد» (شفق، ۱۳۷۳: ۱۷).

«رباعی و دوبیتی قالبی است برجسته و ممتاز برای اندیشه‌های شاعرانه و لحظه‌های زودگذر شعری که امتداد و ادامه ندارد» (شفیعی کدکنی، ۱۳۹۱: ۲۱۸). «به حقیقت هیچ وزن از اوزان مبتدع و اشعار مخترع که بعد از خلیل احداث کرده‌اند به دل نزدیک‌تر و در طبع آویزنده‌تر از این نیست» (رازی، ۱۳۸۸: ۱۴۲).

۱۰-۲. اغراض شعر دوبیتی و رباعی در عربی

«اغراض شعر رباعی متنوع و زیادند، غزل، مدح، حکمت، فلسفه، تصوف، و نقد اجتماعی و سیاسی می‌باشد» (قندیل، ۱۹۸۱: ۱۶۷).

۱۱-۲. تأثیرپذیری دوبیت عربی از دوبیتی فارسی

دوبیتی و رباعی از قالب‌های شعری پرکاربرد در زبان فارسی و کم‌کاربرد در زبان عربی است. دو فرهنگ، دو زبان و دو ملیت ایرانی و عربی دارای تعاملی تاریخی در ابعاد مختلف هستند، و بی‌شک سبک‌ها، قالب‌های شعری و بحور عروضی از این تعامل و به دنبال آن تأثیر و تأثر در امان نبوده است.

روابط تاریخی، فرهنگی و به تبع روابط ادبی ایران فارس و عرب تاریخی نزدیک به سه هزار سال دارد: «روابط تاریخی ایرانیان و اعراب بسیار قدیم است، از قرن ششم پیش از مسیح و از دوران هخامنشی آغاز می‌گردد. هخامنشیان وارث آشوری‌ها و بابلی‌ها در این منطقه بودند و فرمانروایی عربستان را از آن‌ها به ارث بردند. داریوش اول عربستان را جزء ممالک خود می‌شمارد، هردوت در

شرح جنگ‌های ایران و مصر از وجود عرب‌ها در اردوی کمبوجیه و خشایارشا ... شرحی نوشته است» (محمدی ملایری، ۱۳۸۰: ۱۰/۴).

همچنین «در آغاز دوره اسلامی از آنجا که زبان فارسی یکی از ابزارهای مؤثر حکومت خلفا در ایران بود و فارسی‌زبانان هم رفته‌رفته یکی از دو عنصر مهم جامعه اسلامی گردیدند؛ از این‌رو زبان فارسی هم در کنار زبان عربی یکی از دو رکن فرهنگی اسلام گردید» (همان: ۴/۴۲۰).

در تحلیلی مستدل می‌توان گفت: روابط ادبی فارس و عرب، همچون دیگر نمادهای فرهنگی و اجتماعی آن دو قوم، دو سویه بوده یا به عبارت علمی‌تر؛ رابطه تأثیر و تأثر داشته‌اند؛ از همین روست که بیشتر بزرگان ادب فارسی و عربی، قاطعانه بر این باورند که الدوبیت ریشه و منشأ ایرانی و فارسی دارد یا حداقل تحت تأثیر دوبیتی فارسی شکل گرفته است: «عرب‌ها دوبیتی را از فارسی گرفته‌اند و در قدیم مابین آن‌ها معمول نبوده است» (همایی، ۱۳۰۸: ۱/۷۶). افزون بر این «این وزن اختراع زبان فارسی است، و عرب از فارسی‌زبانان گرفته است، ولی در عربی گستره زیادی نیافت و دیده نشد که شاعر مشهوری از این نوع شعر به‌وفور استفاده کرده باشد، ولی الآن در کویت، بحرین و عمان رایج است» (یعقوب، ۱۹۹۱: ۲۴۱).

شیخو با صراحت از ایرانی بودن این وزن و قالب شعری، اقرار داشته و الدوبیت عربی را برگرفته از زبان فارسی دانسته است: «دوبیت که شعرای جدید آن را بحر سلسله یا رباعی می‌نامند، وزنی است که از زبان فارسی گرفته شده و بیشترین کاربرد آن در معانی لطیف یا فن غناء است» (شیخو الیسوعی، ۱۸۹۷: ۱/۴۲۱). «وزن دوبیت دو بار «فَعْلُنْ مُتَفَاعِلُنْ فَعْوَلُنْ فَعْلُنْ» است» (همان: ۱/۴۲۱). شیخو گفته است: «در میان فنون شعر، فنون معربّی [غیر عربی] وجود دارد که از اوزان شانزده‌گانه علم عروض خارج می‌باشند، این فنون کدام‌اند؟ دوبیتی و موشح» (شیخو الیسوعی، ۱۸۹۷: ۱/۴۲۰).

دلیلی که شفیع کدکنی بر فارسی بودن این دو قالب شعری آورده است، موفقیت این دو قالب در ادب فارسی و عدم توفیق آن در ادب عربی است (ر.ک: شفیع کدکنی، ۱۳۹۱: ۲۱۷). «این دو [دوبیتی و رباعی] از قالب‌های اصیل شعر فارسی بشمار می‌روند» (همان: ۲۱۷).

ملک‌الشعرا با تقسیم زمانی دوبیتی به شعر هجایی و شعر عروضی بر این باور است که دوبیتی هجایی از ابداعات ایرانی‌ها و دوبیتی عروضی اختراع عرب بوده؛ اما این دوبیتی عروضی تحت تأثیر همان دوبیتی هجایی خلق شده است: «ادوار شعر فارسی را به دو دوره باید تقسیم کرد: الف. دوره شعر هجایی، ب. دوره شعر عروضی، دوره شعر هجایی متعلق است به قبل از اسلام و دوره شعر عروضی

متعلق است به بعد از اسلام، شعر هجایی همان است که اروپائیان آن را شعر سیلابی می‌نامند» (بهار، ۱۳۳۴: ۱۱). شعر سیلابی یعنی شعری که در هر بیت هجاها برابر بیت دیگر باشند، شعر عروضی یعنی اشعاری که بنای آن‌ها بر افاعیل باشد. فرق بین شعر عروضی و سیلابی آن است که در اشعار هجایی شاعر مقید نیست که حتماً هجاهای بلند برابر هجاهای بلند آن قرار گرفته باشد و کوتاه برابر کوتاه، اما شعر عروضی بر خلاف این است؛ یعنی باید هجاهای بلند و کوتاه هر یک در برابر هم قرار گیرند (همان: ۱۲). «قدیمی‌ترین شعرای عرب ارجوزه‌های سه مصراعی می‌گفتند که از قدیم در اغانی و سایر کتب باقیمانده و باید معتقد شد که اصل شعر عرب همان ترانه‌های دوره ساسانی است» (همان: ۲۰). «چنین به نظر می‌رسد که شعر عروضی از اختراع عرب می‌باشد» (همان: ۱۸).

ادب پژوهان دیگری نیز عقیده ملک‌الشعرا را داشته‌اند: «حقیقت مطلب این است که قواعد عروض را عرب‌ها وضع کرده‌اند لیکن ایرانیان آن را به مقتضای محیط و ذوق خود تغییر داده‌اند، اوزانی که با ذوق و افکار مردم این مملکت موافقت نداشت ترک کرده و اوزان جدیدی بوجود آورده‌اند ... در اقسام شعر ایرانی‌ها از عرب‌ها تقلید کورکورانه نکرده، بلکه افکار خویش را بوضع خویش، در لباس آراسته بیان کرده‌اند، چنان‌که دوبیتی، رباعی و مثنوی مختص ایرانی‌هاست و عرب‌ها آن‌ها را از ایرانیان گرفته‌اند» (فریور، ۱۳۴۱: ۷۵).

نظر ملک‌الشعرا مورد تأیید مستشرقان نیز بوده است: «در باره رعایت تساوی کمی پایه‌های عروضی یا وزن شعر در پارسی نو باید گفت که شاعران ایرانی این اصل را از عرب‌ها گرفته‌اند» (ریپکا، کلیما، بیچکا، ۱۳۷۰: ۱۱۶).

عبدالهادی قنديل، مترجم اهل مصر که خدمات گرانسنگی به ادبیات فارسی و عربی دارد بر پیشینه فارسی دوبیتی و تفاوت وزن آن قالب شعری با اوزان عربی تأکید دارد: «رباعی یکی از فنون اصیل شعر فارسی است، شعرای ایرانی در اختراع آن سبقت دارند و در ابتدای ادبیات اسلام بر آن نوع شعر سروده‌اند و کمتر دیوانی از دیوان‌های آن‌ها از این نوع شعر خالی است» (قنديل، ۱۹۸۱: ۱۶۷). «از نظر وزن، رباعی با همه انواع اوزان متداول شعر عربی تفاوت دارد» (همان: ۱۶۷).

نویسنده کتاب الدوبیت که در ابتدا به روش‌های مختلف سعی در انکار فارسی بودن این نوع شعر و یا حداقل مجهول نشان‌دادن آن است، در نهایت می‌گوید: «از آنجایی که دو بیت یک فن فارسی اصیل است، به‌ناچار باید به بحث‌های استادان ایرانی مانند مرحوم سعید نفیسی و جلال‌الدین همایی و بدیع‌الزمان فروزانفر اشاره گردد» (الشیبی، ۱۹۷۲: ۱۲). «این وزن بر ذهن شاعر عربی وارد نشده و از

سلیقه عرب دور است و مخالف اوزان مشهور شعر عربی است» (همان: ۵۸).

برخی دیگر از ادب‌پژوهان ایرانی که بر ایرانی بودن این نوع شعر باور دارند: «اما وزن آن [دوبیتی] وزن اختراعی عرب نیست؛ بلکه از فارسی به عاریت گرفته شده است، لذا شمارش آن در اوزان شعر زبان عربی صحیح نمی‌باشد» (انیس، ۱۹۵۲: ۲۱۴). «این وزن اصلاً ایرانی است و از بحر هزج منشعب نشده؛ بلکه بعدها به تکلف آن را از مزاحفات آن بحر شمرده‌اند» (کامکار پارسی، ۱۳۷۲: ۸۲). «اساساً رباعی از اقسام شعر فارسی است و دو بیت مذکور بالاخص با مرسوم شعراء ایران در این عصر که در وصف میوه یا گل یا شیء دیگری از مظاهر طبیعت رباعی یا قطعه‌ای می‌ساختند مطابقت دارد» (براون، ۱۳۳۵: ۶۹۰).

براون در خصوص دوبیتی که ابوالعلا سروی به زبان عربی سروده است نیز اظهارنظر مختصری کرده است و اینکه در آن ابیات الفاظ ایرانی به کاررفته است را دال بر ایرانی بودن این قالب شعری دانسته است (براون، ۱۳۳۵: ۶۹۰). البته دو نکته قابل ملاحظه باید به مطلب براون افزود؛ نخست اینکه ابوالعلا سروی ایرانی بوده و دیگر اینکه زاده یک قرن بعد از رودکی است؛ لذا تقلید از ایشان یا به‌طور کلی از قالب دوبیتی فارسی امری طبیعی بوده است.

۳. نتیجه‌گیری

در باب خاستگاه دوبیتی، در منابع مورد مطالعه سه دیدگاه وجود دارد: دیدگاهی که خاستگاه آن نوع قالب شعری را پیش از اسلام می‌داند، و کیکاووس، ملک‌الشعراء، شفیعی کدکنی، جلال‌الدین همایی و مستشرقانی همچون ریپکا و همکارانش بر این نظر اصرار دارند؛ دیدگاهی که زایش آن را قرن سوم هجری دانسته است و زرین کوب، رازی و شمیسا این نظر را تأکید دارند و دیدگاهی که منشأ رباعی را بیرون از ادبیات فارسی و ادبیات عربی می‌داند و مستشرقانی مانند ال‌ول ساتن نیز بر همین باورند. هر چند در ادبیات فارسی دوبیتی و رباعی، با وجود نزدیکی ساختار، در عروض و اغراض متفاوت بوده اما در ادبیات عربی برای رباعی و دوبیتی، اصطلاح الدویتی به کار می‌رود.

دو فرهنگ ایرانی و عربی دارای تعاملی تاریخی در ابعاد مختلف هستند، و بی‌شک سبک‌ها، قالب‌های شعری و بحور عروضی از این تعامل و به دنبال آن تأثیر و تأثر در امان نبوده است. اولین نتیجه قاطعی که مستند و مستدل است و از این یافته‌ها استنتاج می‌گردد؛ این است که پیوندهای ادبی فارس و عرب، همچون دیگر نمادهای فرهنگی و اجتماعی آن دو قوم، دو سویه بوده است. یا به عبارت علمی‌تر؛ رابطه تأثیر و تأثر داشته‌اند؛ از همین روست که بیشتر بزرگان ادب فارسی و عربی،

قاطعانه بر این باورند که الدوبیت ریشه و منشأ ایرانی و فارسی دارد یا حداقل تحت تأثیر دوبیتی فارسی شکل گرفته است. دلایلی مهم مانند اینکه اصطلاح الدوبیت یک اصطلاح فارسی است و در ادبیات عربی برای اشعاری است که در بحر هزج مسدّس محذوف «مفاعیلُنْ مفاعیلُنْ فَعُولُنْ» یا مسدّس مقصور «مفاعیلُنْ مفاعیلُنْ مفاعیلُنْ» سروده شده است و حال آنکه این وزن از اوزان شانزده گانه علم عروض، مشهور به اوزان خلیل بن احمد فراهیدی نیست، بیشتر اهل شعر و ادب را اقناع کرده که الدوبیت عربی، تحت تأثیر دوبیتی فارسی شکل گرفته است.

افزون بر ادب پژوهان ایرانی که در این نتیجه نام آن‌ها برده شد، ادب پژوهان عرب مانند: اسعاد عبدالهادی قنديل، امیل بدیع یعقوب، احمد هاشمی، ابراهیم انیس، محمد بن حسن بن عثمان و ... نیز بر منشأ ایرانی بودن و به تأثر ادبیات عرب از ادبیات فارسی در این گونه شعری اذعان و تأکید دارند.

منابع

- ابن عثمان، محمد بن حسن (۲۰۰۴). *المُرشد الوافی فی العروض و القوافی*، بیروت: دارالکتب العلمیة.
- انیس، ابراهیم (۱۹۵۲). *موسیقی الشعر، الطبعة الثانية*، مصر: مکتبة الانجل.
- براون، ادوارد (۱۳۳۵). *تاریخ ادبیات ایران*، مترجم علی پاشا صالح، چاپ دوم. تهران: مجلس.
- ثابت زاده، منصوره (۱۳۸۸). *بحور و اوزان شعر فارسی*، تهران: زوآر.
- دهخدا، علی اکبر (بی تا). *لغت نامه دهخدا*، تهران: دانشگاه تهران.
- رازی، شمس قیس (۱۳۸۸). *المعجم فی معاییر اشعار العجم*، تهران: علم.
- رزمجو، حسین (۱۳۸۵). *انواع ادبی و آثار آن در زبان فارسی*، چاپ پنجم، مشهد: دانشگاه فردوسی.
- رستگار فسایی، منصور (۱۳۷۲). *انواع شعر فارسی*، شیراز: نوید.
- ریشکا، یان؛ کلیما، اوتاکا؛ بچکا، ایرژی (۱۳۷۰). *تاریخ ادبیات ایران*، ترجمه کیخسرو کشاورزی، بی جا: گوتمبرگ و جاویدان خرد.
- زرین کوب، عبدالحسین (۱۳۸۳). *از گذشته ادبی ایران*، چاپ دوم، تهران: سخن.
- سمرقندی، دولت‌شاه (۱۳۸۲). *تذکره الشعراء*، تصحیح ادوارد براون، تهران: اساطیر.
- شفیق، مجید (۱۳۷۳). *دوبیتی‌های شاعران امروز*، تهران: آفرینش.
- شفیعی کدکنی، محمدرضا (۱۳۹۱). *موسیقی شعر*، چاپ سیزدهم، تهران: آگه.
- شمیسا، سیروس (۱۳۷۳). *انواع ادبی*، چاپ سوم، تهران: فردوسی.
- الشیبی، کامل مصطفی (۱۹۷۲). *دیوان الدوبیت*، فی الشعر العربی، بیروت: دارالثقافة.
- شیخو الیسوعی، لوئیس (۱۹۸۷). *علم الادب فی الإنشاء و العروض*، بیروت: مطبعة الآباء الیسوعیین.

- طباطبایی، مصطفی (۱۳۸۳). *عروض و قافیه*، تهران لوح زرین.
- فریور، حسین (۱۳۴۱). *تاریخ ادبیات ایران و تاریخ شعرا*، چاپ دهم، بی جا: اطلاعات.
- فک، یوهان (۲۰۱۴). *العربیة؛ دراسات فی اللغة و اللهجات و الأسالیب*، مترجم عبدالحلیم نجار، قاهرة: المركز القومي للترجمة.
- قنديل، اسعاد عبدالهادی (۱۹۸۱). *فنون الشعر الفارسی، الطبعة الثالثة*، بیروت: دار الاندلس.
- کامکار پارسی، محمد (۱۳۷۲). *رباعی و رباعی سرایان*، تهران: دانشگاه تهران.
- کفافی، محمد عبد السلام (۱۳۸۲). *ادبیات تطبیقی*، ترجمه حسین سیدی، مشهد: شرکت به نشر.
- کیکاووس، امیر عنصرالمعالی (۱۳۱۲). *قابوس نامه*، تصحیح سعید نفیسی، تهران: مطبعة مجلس.
- محمدی ملایری، محمد (۱۳۸۰). *تاریخ و فرهنگ ایران*، تهران: توس.
- بهار، محمد تقی (۱۳۳۴). *تاریخ تطوّر شعر فارسی*، مشهد: چاپخانه خراسان.
- نبوی، عبدالعزیز؛ خداده، سالم عباس (۲۰۰۰). *العروض التعليمی*، کویت: المنار الاسلامية.
- هاشمی، احمد (۱۹۹۷). *میزان الذهب فی صناعة شعر العرب*، محقق عبدالجلیل یوسف، قاهرة: مكتبة الآداب.
- همای، میرزا حلال الدین (۱۳۰۸). *تاریخ ادبیات ایران*، تبریز: مطبعة ادبية.
- یعقوب، امیل بدیع (۱۹۹۱). *المعجم المفصل فی علم العروض، القافية و فنون الشعر*، بیروت: دارالکتب العلمية.

References

- Al-Shaibi, K. (1972). *Diwan Al Dobit In Arabic poetry*. Beirut: Dar al-Taqwa (In Arabic).
- Anis, I. (1952). *Poetry Music*. 2nd Edition. Egypt: Al-Anjal School (In Arabic).
- Brown, E. (1956). *Literary History of Iran*. Translated by; Ali Pasha Saleh. 2nd Edition. Tehran: Majlis Printing House (In Persian).
- Dehkhoda, A, (B. Ta.), *Dehkhoda Dictionary*, Tehran University Press (In Persian).
- Fak, J. (2014). *Al-Arabiya Darasat Fi Al-Laghga*, Al-Allahjat, and Al-Asalib. Translated by; Najar Abdul Halim. Cairo: Al-Maqruz al-Qoumi for Translation (In Persian).
- Freyor, H. (1962). *History of Iranian Literature and History of Poets*. Bija: Etelaat Publications (In Persian).
- Hashemi, A. (1997). *The Amount of Gold in the Arab Poetry Industry*. Researcher Abdul Jalil Yusuf. Cairo: School of Literature (In Arabic).
- Homai, M. (1929). *History of Iranian Literature*. Tabriz: Literary Press (In Persian).
- Ibn Uthman, M. (2004). *Al-Murshid al-Wafi fi al-Thawar and al-Quwafi*. Beirut: Dalkatb al-Alamiya (In Arabic).
- Kamkar Parsi, M. (1993). *Quartets and Quatrains of Sarayan*. Tehran: Publishing and Printing Institute of Tehran University (In Persian).
- Kikavos, A. (1933). *Qaboosnameh*. Edited by; Saeed Nafisi. Tehran: Majles Press (In Persian).
- Malik Al-Shaara, M. (1955). *The History of the Development of Persian Poetry*. Mashhad: Khorasan Printing House (In Persian).

- Mohammadi Malairi, M. (2001). *History and Culture of Iran*. Tehran: Toos Publications (In Persian).
- Nabawi, A; God, S. (2000). *Educational Presentations*. Kuwait: Al-Manar al-Islamiya (In Arabic).
- Qandil, A. (1981). *Farsi Poetry Techniques*. 3rd Edition. Beirut: Dar Al-Andalus (In Arabic).
- Razi, S. (2009). *Al-Ajm in the Criteria of Al-Ajm Poems*. Tehran: Elm Publications (In Persian).
- Razmjoo, H. (2006). *Literary Types and Their Works in Persian Language*. Fifth Edition. Mashhad: Ferdowsi University Press (In Persian).
- Ripka, I; Kalima, O; Bachka, I. (1991). *History of Iranian Literature*. Translated by; Kei Khosro, Agriculture. Beja: Gotemberg and Javidan Khard Publications (In Persian).
- Rostgar Fasai, M. (1993). *Types of Persian Poetry*. Shiraz: Navid Publications (In Persian).
- Samarkandi, D. (2003). *Tazkira al-Shoara*, Edited by; Edward Brown. Tehran: Asatir Publishing House (In Persian).
- Shafaq, M. (2013). *The Couplets of Today's Poets*. Tehran: Afarinesh Publications (In Persian).
- Shafii Kodkani, M. (2011). *Poetry Music*. 13th Edition. Tehran: Agah Publications (In Persian).
- Shamisa, C. (1994). *Literary Types*, 3rd Edition. Tehran: Ferdowsi Publications (In Persian).
- Sheikho Elisouei, L. (1987). *The Science of Literature in Composition and Interpretation*. Beirut: Al-Aba Eisoueiin Press (In Arabic).
- Tabatabaei, M. (1983). *Prosody and rhyme*. Tehran gold plaque (In Persian).
- Tabetzadeh, M. (2009). *Bahor and Weights of Persian Poetry*. Tehran: Zovar Publications (In Persian).
- Yaqoub, E. (1991). *Al-Mujajm al-Mafsal in the Science of Al-Qafiyeh*, Rhyming and Poetry Techniques. Beirut: Dar al-Kitab al-Alamiya (In Arabic).
- Zarinkoub, A. (2004). *From Iran's Literary Past*. 2nd Edition. Tehran: Sokhan Publications (In Persian).



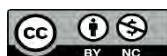
دراسة مقارنة للدوييت في الأدب الفارسي و الادب العربي

كيامرث شاه ولي^١

١. أستاذ مساعد في اللغة العربية وآدابها، قسم اللغة العربية وآدابها، جامعة آزاد الإسلامية، إيزه، إيران. العنوان الإلكتروني: ki.shahvali@iau.ac.ir

| ملخص | معلومات المقال |
|--|---|
| <p>الدوييت هو أحد الأشكال والأنواع الشعرية الذي يستخدم في اللغة الفارسية أكثر من اللغة العربية. ثقافتان ولغتان وقوميتان إيرانية وعربية، لديها تفاعلات مشتركة بأبعاد مختلفة. ولا شك في أن الأساليب والأشكال الشعرية والأسلوب الإنشائي لم يسلم من هذا التفاعل وتأثيره. يهدف هذا البحث إلى دراسة استخدام الدوييت في الأدب الفارسي والأدب العربي بأسلوب البحث تحليل المحتوى وبالاعتماد على مناهج البحث الحديثة في الأدب المقارن وخاصة المدرسة الفرنسية. نتائج هذا البحث بإيجاز هي: فيما يتعلق بمبدأ الدوييت، هناك ثلاث آراء في المصادر المدروسة: وجهة نظر ترى أن أصل هذا النوع من التنسيق الشعري يعود إلى ما قبل الإسلام، وجهة نظر تعتبر نشأتها في القرن الثالث الهجري، ووجهة نظر تعتبر أصل الدوييت خارج الأدب الفارسي والعربي. لقد أثبت الباحثون في مجال الأدب الفارسي والعربي بشكل قاطع من خلال الحجج المنطقية والعلمية أنه لا يوجد مثل هذا الشعر في اللغة العربية وأنه مأخوذ من الأدب الفارسي ويتأثر ذلك الأدب تطوّر وأصبح مشهوراً في الأدب العربي.</p> | <p>نوع المقال: مقالة محكمة الوصول: ١٤٤٤/٠٢/١٥ التقيد والمراجعة: ١٤٤٤/١٠/٢٠ القبول: ١٤٤٤/١٠/٢٩</p> <p>الكلمات الدلالية: دوييتي، الدوييت، الادب العربي، الادب الفارسي، الادب المقارن.</p> |

الإحالة: شاه ولي، كيامرث؛ (١٤٤٥). دراسة مقارنة للدوييت في الأدب الفارسي و الادب العربي. بحوث في الأدب المقارن، ١٤ (١)، ٦٩-٨٩.



© الكتاب.

النشر: جامعة رازي

DOI: 10.22126/JCCL.2023.8269.2435

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی